



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# زندگانی

حضرت امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زندگانی حضرت امام حسن مجتبی ( علیه السلام )

نویسنده:

جمعی از علمای لبنان

ناشر چاپی:

عابد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه مؤلفین
۸	خانه ای برای بزرگی
۱۴	کدامین فرزند؟
۱۵	سیط اول علیه السلام در کتاب و سنت
۱۹	زوایایی از شخصیت امام حسن علیه السلام
۱۹	اشاره
۲۶	تواضع
۲۷	احسان به کسانی که بدی نموده اند
۲۸	سخاوت
۲۹	نقش امام حسن علیه السلام در حیات اسلام
۲۹	اشاره
۲۹	در دوران امیرالمؤمنین
۳۴	در دوران حکومت امام حسن مجتبی
۴۲	علل معاهده و ریشه های آن
۵۰	دوران بعد از معاهده
۵۵	پاورقی
۶۰	درباره مرکز

## زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام / نویسندگان جمعی از علمای لبنان؛ ترجمه: کفاش، حمیدرضا.

مشخصات نشر: تهران: عابد، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ص ۴۷

فروست: (ویژه نوجوانان ۴)

شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۳۴-۳ (دوره)؛ ۹۶۴-۷۰۷۷-۳۴-۳ (دوره)؛ ۹۶۴-۷۰۷۷-۳۴-۳ (دوره)؛ ۹۶۴-۷۰۷۷-۳۴-۳ (دوره)؛ ۹۶۴-۷۰۷۷-۲۳-۸ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۰: ۲۵۰۰ ریال

یادداشت: کتاب نامه به صورت زیرنویس

موضوع: حسن بن علی (ع)، امام دوم، ۵۰ - ۳ق. -- ادبیات نوجوانان

شناسه افزوده: کفاش، حمیدرضا، ۱۳۴۰ -، مترجم

رده بندی کنگره: BP۴۰/ ۹ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷ [ج] ۹۵۲/

شماره کتابشناسی ملی: م ۱۷۰۸۳-۷۹

### مقدمه مؤلفین

ارزش و اهمیت مطالعه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و تربیت آنها، خصوصیات و فضیلت هایشان ریشه عاطفی و احساسی ندارد بلکه اجابت امری است که از جانب پروردگار همه عالم مطرح شده است. زمانی که به محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وحی کرد که بشریت را از تاریکی های کفر و شرک برهاند و به سوی نور و ایمان و توحید هدایت کند و آنگاه که این چنین به رسول خود امر فرمود:

«برای چیزی اجر و پاداش قرار نمی‌دهم مگر دوست داشتن اهل بیت.

اظهار ارادت و دوستی به معصومین علیهم السلام که در زندگی با قتل، شکنجه و دربدری مواجه شدند و سختی‌ها و دشواری‌های زندگی را چشیدند و بر آنچه که داشتند صبر پیشه کردند و راز نگه داشتند، هم خود و هم پیروان بی‌گناه آنها به شکلی که دلها را به درد می‌آورد و جسم‌ها را آب می‌کند اذیت شدند، لازم بوده و هست.

و هرگاه، روز آغاز گردد هر کسی باید

به نشر مطالبی ولو اندک از زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بپردازد تا تلاشی در جهت شناساندن این افراد برجسته و سرآمد انسانها باشد.

ای کاش! هر مسلمانی با رهبران خود به درستی و آگاهانه آشنا می شد و به راحتی امامان خود را می شناخت و آن طور نمی شد که از آنهایی باشند که از دنیا بروند در حالیکه امام زمان خود را نشناختند و مرگ آنها همانند مردن در عصر جاهلیت باشد.

در راستای آشنایی با زندگی معصومین علیهم السلام قسمت چهارم از این مجموعه که به «امام حسن مجتبی علیه السلام» اختصاص دارد، تقدیم حضور شما عزیزان می گردد.

[ صفحه ۷ ]

### خانه ای برای بزرگی

اصحاب اقدام به خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله نمودند در حالی که از منزلت و قدر والای وی آگاهی نداشتند. او پاره ی تن مصطفی صلی الله علیه و آله و سرور زنان عالم بود. و پیامبر نیز تمام آن درخواستها را رد می نمودند. روزی از روزها حضرت علی علیه السلام نسبت به حضرت زهرا علیها السلام توجه نشان داد. وقتی که دید چگونه بعضی از اصحاب به خواستگاری اقدام می نمودند و پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست آنها را رد می نمود - لذا در او میلی به خواستگاری از حضرت زهرا علیها السلام پیدا شد. قبل از اینکه حضرت علی علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وارد شود و وی را از نیت خود آگاه سازد، جبرئیل پیش دستی نموده و آنرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ نموده که خداوند پاک و



منزه حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام را به عقد ازدواج درآورده است. روایت شده که این امر خدایی بوده و به زبان وحی مقدس نازل شده همانطور که در نص صحیح آمده که ( ... ای محمد خداوند بزرگ مرتبه بر تو وحی می فرستد، و می گوید که من فاطمه دختر تو را با علی بن ابیطالب به عقد ازدواج در آسمانها در آورده ام پس تو آنها را در زمین پیوند بزنی. ) [۱].

حضرت علی علیه السلام در خانه ی ام سلمه که پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا بود را می زند و اجازه شرفیابی به او داده می شود و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشیند. پیامبر صلی الله علیه و آله شروع به سخن می کند و می فرماید من می بینم که تو برای امری آمده ای، پس درخواست خود را مطرح کن و آنچه در درون توست بیرون بریز که هر درخواستی که تو از من داری برآورده کنم.) هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله، از خواستگاری حضرت علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام باخبر گشت در حالی که صورتش از شادی موج می زد به حضرت زهرا علیها السلام

[ صفحه ۸ ]

وارد شد و او را از این امر باخبر ساخت تا مفهوم جاویدان اسلام را در جامعه بوجود آورد که هر ازدواجی باید مبتنی بر رضایت و قبول زوجین باشد تا صفا و صمیمیت همراه با صبر و تحمل در خانواده بوجود آید. و در کلامی پاره تنش را مخاطب قرار داده که علی بن ابیطالب که از اسلامش، فضلش و

نزدیکی وی به من آگاهی داری ... از تو خواستگاری نموده نظر شما نسبت به آن چیست؟

خجالت بر زهرا علیهاالسلام مستولی گشت و سکوت طولانی شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در صورتش تأمل می نمود و رضایتش را بر این موضوع خواند. خارج گشت - در حالی که از اعماق قلب پاکش این جمله را تکرار می نمود - ( ... الله اکبر «سکوتش از رضایت است.») هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از نزد فاطمه به نزد علی علیه السلام آمد به او فرمود: که آیا همراه تو چیزی هست که من با آن تو را به ازدواج درآورم و با این عمل برای نسلهای دیگر امت حکمی اسلامی که متضمن پرداخت مهریه برای زن که مظهر اتفاق و قوام مردان بر زنان است را به ارث گذارم. حضرت علی علیه السلام چیزی جز شمشیر، شتر و زره نداشت و آنرا با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذاشت. آن حضرت فرمود: (اما شمشیر که از آن بی نیاز نیستی و آن را در راه خدا و برای مقابله با دشمنان خدا به کار می بری و اما شتر که به وسیله آن برای نخل ها و خانواده ات آب می آوری و وسیله حمل و نقل تو در مسافرت می باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله به وی اجازه ی فروش شمشیر و شتر را نداد و فروش زره که در سابق از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و حضرت علی علیه السلام هدیه داده بود را اجازه داد. حضرت علی علیه السلام زره خود را فروخت و

پولش را به رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم نمود تا برای حضرت زهرا علیها السلام جهاز تهیه نماید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن پول را میان بلال و سلمان و ام سلمه تقسیم نمود تا برای حضرت فاطمه علیها السلام اثاث و عطر و لوازم

[ صفحه ۹ ]

مورد نیاز تهیه نمایند. سپس هر کس متاعی را آماده نمود که در هر کدام از آنها هدفی وجود داشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله دوست داشت که مسلمین را از خواستگاری حضرت علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام باخبر سازد. عده ای از یارانش را برای شهادت مراسم عقد ازدواج دعوت نمود و فرمود: (ستایش خدایی که بواسطه نعمتش ستایش شده، و بوسیله قدرتش اطاعت شده و بدلیل سلطه اش مورد اطاعت قرار گرفته، وجودی که عذابش مورد توجه است و دستورش در آسمان و زمین نافذ است، خلق را بواسطه قدرتش آفرید و به واسطه ی احکام خود پاکیزه گرداند و آنها را به دین خود دعوت نمود و بواسطه پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشت. خدای بلندمرتبه و عظیم الشان پیوند نژادی را میان انسانها قرار داد، و ارحام را به هم آمیخت و ادامه ی آنها تضمین نمود و فرمود: اوست خدایی که انسانها را با نژادها و پیوندهای مختلف آفرید و دستور داد که به قضای خود جاری باشد و قضا به سوی خداوند در حرکت است و برای هر قضایی قدری است و برای هر قدری زمانی است و برای هر زمانی، کتابی است. خداوند هر که را بخواهد محو یا پایدار می کند و ما در کتابها

در نزد وی است.

پس خداوند به بنده دستور ازدواج فاطمه و علی را با ۴۰ مثقال نقره در صورتی که علی دارای آن باشد را دارد.

سپس خرما درخواست [۲] نمود و در میان ما گذاشت و فرمود: توجه کنید - در این حال حضرت علی علیه السلام وارد شد و پیامبر نیز تبسم نمود - و فرمود: خداوند به من دستور داد که فاطمه را با علی به ازدواج درآورم به مهر ۴۰ مثقال نقره. آیا راضی هستی،

[ صفحه ۱۰ ]

سپس علی علیه السلام فرمود که راضی شدم به آن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود خدایتان میان شما را جمع، و جدیت شما را به خوشبختی و بر شما مبارک بسازد و از شما فرزندان عالی بوجود آورد.

انس می گوید که به خدا از آنها فرزندان زیادی بوجود آمد.

در شهر هیچ کس نبود که از مراسم عقد باخبر نشود، عقیل بن ابیطالب روزی با برادرش علی علیه السلام پیرامون ازدواج، صحبت نمود و گفت: ( ... برای چه از رسول خدا درخواست ازدواج را نمی کنی تا ما با اجتماع شما خوشحال بشویم؟ ) لذا بر این امر اتفاق کردند که با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذارند، آنها موضوع را با ام ایمن (بوته بنت ثعلبه از زنان بزرگوار) در میان گذاشتند تا نقش خود را در این مسئله ایفا نماید. هنگامی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله با وی جمع شدند ام سلمه از طرف آنها این امر را با وی در میان گذاشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را فراخواند و به وی فرمود: آیا مایل

هستی که بر همسرت وارد شوی؟ امام جواب داد، بله. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بسیار خوب! لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام دستور داد که مؤمنین را به میهمانی فراخواند. همسران پیامبر برای پختن غذا آماده شدند و دعوت شدگان غذای امام را تناول کردند.

در آن هنگام پیامبر، به ام سلمه و دیگر همسران را دستور دادند تا فاطمه علیها السلام را بسوی خانه جدید خود ببرند. عده ای از مؤمنین نیز به همراهی رسول خدا صلی الله علیه و آله هله هله کنان و تکبیر گویان حضرت علی علیه السلام را به سوی خانه بردند. رسول خدا تبریک گویان به سوی علی علیه السلام آمد و فرمود: خداوند ازدواج با دخترم را برای تو مبارک سازد. بعد ظرفی از آب را که بر روی آن قرآن خواند، دستور داد که علی علیه السلام و زهرا علیها السلام از آن بخورند و مقداری از آن را بر سر و صورتش ریخت و برای آنها دعا نمود که (خدایا

[ صفحه ۱۱ ]

آنان بهترین آفریده های تو برای من هستند پس نسل آنها را @مبروک کن و از طرف خودت برای آنها محافظ بگمار که من آنها و نسلشان را از شر شیطان به تو می سپارم.)

بر این اساس خانه مجید و عزت و مدرسه امامت در سایه ی وحی و در کنار رسالت اقامه یافت تا روشنایی دین را در سایه روشهای الهی تبیین نماید. و از این مراسم عظمت روشهای اسلامی در گسترش نیازهای روحی و جسمی برای تطبیق مقتضیات فطرت انسان با ظرفیتهای زمان خود، بدون سختی و اجبار برای ما روشن شود. لذا

از اینجا بود که برای سنت رسول، مقام بسیار بالایی در شناخت روشهای اسلامی و تنظیم روابط فرد و خانواده و جامعه مطرح و اهمیت یافت.

## کدامین فرزند؟

در روز ۱۵ ماه رمضان سال سوم هجری خانه نبوت تولد اولین فرزند خود را اعلام نمود، و همگان این تولد مبارک را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله از طریق نامه و دیدار تبریک گفتند، رسول خدا به سوی خانه زهرا علیهاالسلام برای تبریک و ابراز خوشحالی راهی گشت، آنگاه فرزند را ام سلمه یا اسماء بنت عمیس به وی تقدیم نمودند - در روایت است - رسول خدا وی را با تمام وجود در بر گرفت و بر سینه اش نهاد و اذان را در گوش راست و اقامه را در گوش چپ نوزاد زمزمه فرمود، تا صدای حق اولین صدایی باشد که در گوش وی گفته می شود. رسول خدا به علی فرمود: فرزندم را چه نامیدی؟ فرمود: من از شما در این زمینه پیشی نمی گیرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: و من نیز از پروردگارم سبقت نمی گیرم. [۳].

[ صفحه ۱۲ ]

در حالی که نوزاد در میان دستان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و گفتگو برای انتخاب نام ادامه داشت. جبرئیل نازل گشت و گفت: که خداوند سبحان اسم نوزاد مبارک را حسن نهاده است. [۴] قسمت اول از مراسم اسلامی در پذیرش فرزند کریم «حسن» به اتمام رسید. در روز هفتم تولد حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حالی که بر عصای خود تکیه زده بود برای اتمام بقیه مراسم به فاطمه علیهاالسلام اجازه

داد فرزند را از قابله وی گرفتند و برای سلامتی فرزند و مادرش یک دینار هدیه دادند، سپس فرزند را اصلاح نموده و سرش را با عطری مالید و از مالیدن سر فرزند با خون که از اخلاق جاهلی است منع نمود و بعد از آن امر به ختنه فرمودند. مراسمی که در هنگام تولد امام حسن علیه السلام از طرف رسول خدا انجام گرفت به عنوان یک سیره و روش در میان مسلمانان باقی ماند.

## سبب اول علیه السلام در کتاب و سنت

حضرت حسن علیه السلام همانند سایر اهل بیت مقام و جایگاه بالایی در کتاب خدا و سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله دارد. قرآن کریم که قانون اساسی و معجزه ی جاویدان اسلام است. آیات روشنگری که جایگاه امام حسن علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را در آن روشن سازد در خود دارد. از آن جمله:

۱ آیه تطهیر: (خداوند چنین می خواهد که هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند. [۹] در شأن نزول این آیه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد

[ صفحه ۱۳ ]

شده نوشته اند که پیامبر عبای خبیبری درخواست نمود و علی و فاطمه و حسن و حسین را با آن پوشاند و گفت: (اینان خاندان من هستند ناپاکی و بدی را از آنها دور فرما و آنها را پاک گردان) [۱۰] لذا آیه تطهیر در اجابت دعای حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گردید. این آیه قرآن شهادت خداوند در پاکی خاندان رسول و دوری آنها از ناپاکی بعنوان تجسم اسلام زنده و متحرک را بیان می نماید.

۲ آیه مباحله: (پس هر

کس با تو درباره ی حضرت عیسی علیه السلام در مقام مجادله برآید، بعد از آنکه آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما بخوانیم، فرزندان و زنان و نفوس خود را تا با هم به مباحله برخیزیم و در حق یکدیگر نفرین کنیم تا دروغگو و کافران را به عذاب خدا گرفتار سازیم.) [۷] دلیل نزول این آیه کریمه را مفسران که به علم قرآنی احاطه داشته اند ذکر نموده اند که این آیه زمانی نازل گشت که مسیحیان بنی نجران با رسول خدا اتفاق نمودند که مباحله کنند تا خداوند هر کس در دعوت و اعتقادش باطل بوده را به هلاکت رساند. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت خود را (علی، فاطمه، حسن، حسین) برای مباحله خارج نمود. هنگامی که مسیحیان چهره های نورانی را که پیامبر برای مباحله خارج نموده را دیدند از پیامبر معذرت خواهی نموده و به پادشاه خود فشار آوردند که جزیه پرداخت نماید. در این آیه کریمه از حسنین بعنوان (ابناء) و از محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام (انفسنا) و فاطمه که نماینده تمام زنان مسلمان بود که در آیه با لفظ «نساءنا» تعبیر شده که این امر به روشنی به مقام اهل بیت علیهم السلام در نزد خداوند و

[ صفحه ۱۴ ]

رسولش دلالت دارد.

۳ آیه ی موده: (بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندانم منظور دارید و هر که کار نیکو انجام دهد ما بر نیکویی اش بیفزاییم که خدا آمرزنده و پذیرنده ی بندگان است. [۸] مفسران می گویند که این آیه درباره ی علی و فاطمه، حسن و حسین علیهما السلام



نازل گردیده است و در دو صحیح و احمد بن حنبل و تفسیر ثعلبی و تفسیر طبری از ابن عباس نقل شده که فرموده است: هنگامی که این آیه نازل گردید گفتند: یا رسول الله نزدیکان شما چه کسانی هستند که محبت به آنها بر ما واجب شد؟ فرمود: علی و فاطمه و پسرانشان.) از علی بن حسین علیه السلام و سعید بن جبیر و عمرو بن سعید و از ابی جعفر و از ابی عبدالله (امام جعفر صادق) علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ... نقل شده که فرمود: هنگامی که از مفاد این آیه پرسیده شد: «فرمودند که به نزدیکانم محبت نمایید.» [۹] درباره ی جایگاه و مقام امام حسن علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام در آیات قرآن اکتفا کرده و به بعضی از روایاتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن و جایگاه بلند امام حسن علیه السلام نقل شده اشاره می نمایم:

۱- بخاری و مسلم از براء نقل می کنند که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که حسن بن علی علیه السلام بر دوش مبارکش بود را دیدم که می فرمود: خدایا من او را دوست می دارم پس تو نیز او را دوست بدار.

۲- ترمذی از ابن عباس نقل می کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن بن علی علیه السلام را حمل نمود سپس مردی گفت: مگر سوار بر مرکب شده ای ای فرزند! رسول خدا

[ صفحه ۱۵ ]

فرمود: بله! او سوار بر مرکب شده است.

۳- از حافظ ابی نعیم از ابی بکر نقل شده است: رسول خدا در حال

نماز خواندن بود که در حالت سجده حسن آمد و بر کمر و گردن وی سوار شد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را اندکی کنار می زد، بعد از اتمام نماز به او گفتند: ای رسول خدا شما با این طفل کاری می کنی که با هیچ کس انجام نمی دهی؟ فرمود: این ریحانه ی من است.

۴- انس بن مالک گفت که: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد، کدام یک از خاندان شما برای شما عزیز است فرمود: حسن و حسین.

۵- عایشه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن علیه السلام را می گرفت و به سینه می فشرد سپس می فرمود: (خدایا این فرزند من است و من او را دوست دارم پس دوستش بدار و هر کس او را دوست داشت، دوست بدار).

۶- جابر بن عبدالله گفت: رسول خدا فرمود: هر کس خواست که به جوانان بهشت نگاه کند، پس نگاه کند به حسن بن علی.

۷- از یعلی بن مره گفت: که با پیامبر صلی الله علیه و آله خارج شدیم و برای غذا دعوت شده بودیم در مسیر امام حسن علیه السلام بازی می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل جمع به سرعت به سوی او رفت و دستهای خود را گشود و در حالی که می خندید یک دست را بر سر و دست دیگر را بر گردن وی نهاد و او را بوسید سپس فرمود: حسن از من است و من از حسن خداوند دوست بدارد دوست دارش را.

۸ از غزالی در احیاء نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله

درباره امام حسن علیه السلام فرمود: مشابه ترین از نظر خلق و خلق به من می باشد. [۱۰].

[ صفحه ۱۶ ]

هر کس خواست بیشتر در این باره بداند به منابعی مانند ینابیع الموده قندوزی حنفی و فضائل خمسه از صحاح سته فیروز آبادی و مسند احمد بن حنبل و تذکره خواص سبط ابن جوزی و ... مراجعه نماید. بر این اساس جایگاه امام حسن علیه السلام در دنیای اسلام از میان کتاب قرآن و سنت شریفه مشخص می گردد. اگر صفحه ای از صفحات تاریخ را پیرامون امام حسن علیه السلام ورق بزنیم اهداف تاریخ را جدا از انجام رسالت امام علیه السلام نمی یابیم. و در درجه اول سلوک و رفتار شخصیت ها در محیط اسلامی مجسم گشته تا برای ما و سایر نسلها نمونه و الگو باشد.

## زوایایی از شخصیت امام حسن علیه السلام

### اشاره

کسانی که زندگی امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دنبال می کنند به تربیت و پرورش روحی و فکری و آنچه بعد از جد و پدرشان سنت نامیده می شود خواهند رسید. آنها تربیت اسلامی را از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرشان حضرت علی علیه السلام و مادرشان حضرت زهرا علیها السلام دریافت نموده اند و بعد از اینکه جد و مادرشان را در سن کودکی از دست دادند. این تربیت در سایه پدرشان علی بن ابیطالب علیه السلام شاگرد پیامبر صلی الله علیه و آله و تربیت یافته مدرسه وحی که برای انسان هدایت و رحمت می آورد امتداد یافت. بر این منوال حسنین علیهما السلام در مرحله دعوت الهی و تحمل سختیها بر اساس رسالت الهی و شکل و محتوای آن زندگی نمودند و ثمره این زندگی با هدف این

شد که حسنین علیهما السلام اسلام مجسم بر روی زمین شدند. عناصر شخصیتی این دو امام یک نسخه واحد بوده که در سلوک و جهت و اهداف آنها هیچ اختلافی وجود نداشت و بر حسب حکم واقعی اسلام عمل می نمودند. بر اساس این واقعیت مثالهای روشن و

[ صفحه ۱۷ ]

زنده از پرورش امام حسن علیه السلام در ابعاد روحی، علمی و اخلاقی ذکر می نماییم:

۱- ویژگی روحی: این آمادگی عمیق که امام حسن علیه السلام در روحيات همراه با خواست قلبی و خشوع وجدان یافته بود او را بسوی خدا و خداپرستان نزدیک می ساخت لذا امام صادق علیه السلام فرمود: بدرستی حسن بن علی از عبادت کننده ترین افراد در روزگار خود و زاهدترین و با فضل ترین آنها بود در روضه الواعظین نقل شده: که امام حسن علیه السلام هنگامی که وضو می ساخت رنگش زرد و مفاصلش به رعشه می افتاد، از وی پیرامون این مسئله سؤال شد جواب داد: حق هر کس است هنگامی که در مقابل پروردگار عرش بایستد رنگش زرد و مفاصلش به رعشه درآید. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: امام حسن علیه السلام ۲۵ حج را با پای پیاده اقامه نمود و اموالش را دوبار در راه خدا تقسیم کرد. (سه بار هم گفته شده است) از علی بن جزعان و ابی نعیم در حلیه الاولیاء و طبقات ابن سعد نقل شده که امام حسن علیه السلام دو بار اموالش را تقسیم و سه مرتبه در راه خدا انفاق کرد. به صورتی که کفشی را در حالت مخفی می داد و کفشی را می گرفت. هنگامی که بر در مسجد می

رسید، سرش را بالا می برد و می فرمود که: خدایا مهمان تو به در توست ای محسن! گناهکار به در خانه ات آمده لذا آنچه از بدی در من است بواسطه خوبی خودت درگذر. ای بخشنده. هنگامی که به یاد مرگ و قیامت می افتاد گریه می کرد. و بسوی خدا فریاد می زد و غش می نمود. در حال خواندن قرآن به آیه ای می رسید که در آن (یا ایها الذین آمنوا) وجود داشت می فرمود: (لیبک لیبک اللهم لیبک)، صدقه و انفاق در راه خدا را دوست داشت به طوری که دو مرتبه اموالش را در راه خدا داد و سه مرتبه آنرا تقسیم نمود. [۱۱].

[ صفحه ۱۸ ]

۲- روح علمی: عقل زنده و باز رکن اساسی از ارکان شخصیت اسلامی را تشکیل می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هده از خاندان پیامبر علیهم السلام بالاترین درجات شخصیت اسلامی را به اعتبار خضوع در برابر خداوند در سایه عناصر شخصیت ساز و مکنونات آن کسب نموده اند. از میان این تصور دقیق سخن هایی پیرامون امام حسن علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام وجود دارد که نشان می دهد آنها توانستند نشاط فکری زنده ای در سایه امکانات زندگی کسب نمایند که برای هیچ بشری غیر از آنها به جز انبیاء حاصل نشد که این دلیل آن است که ائمه علیهم السلام بواسطه آن این مسائل را دریافت می دارند، امام علی علیه السلام علم خود را یا از رسول به طور مستقیم و یا به واسطه امام قبلی دریافت می دارد. اما امور جدیدی که انسان در زندگی با آن روبرو می شود

از طریق روحیه بالا و معرفت ذاتی که متکلمین مسلمان این علم امام را علم حضوری نامیده اند، حاصل می شود. علم امام به این صورت محتاج تعلیم نیست زیرا آنرا از طریق الهام مستقیم دریافت می دارد و الهام نیز امری درونی می باشد.

هر فرد منصفی با مطالعه زندگی ائمه علیهم السلام این حقیقت را به وضوح درک می کند که تاریخ به علت عدم توانایی رفع اشکال در علوم معرفتی یا عدم استطاعت به ارائه جواب برای سؤالات مطرح شده یا تفسیر در امور فکری یا تشریحی یا علمی با ما سخن نگفته است در اینجا به سیره ی علمی امام حسن علیه السلام در زمینه معرفتی، علمی می پردازیم. الف: حسن بصری سؤالی از امام علیه السلام پیرامون قضا و قدر می پرسد امام حسن علیه السلام جواب می دهد: (هر کس که به قدر چه از ناحیه خیر و چه از ناحیه ی شر ایمان نداشته باشد، کافر گشته و هر کس گناهی را به خدا نسبت دهد دچار فسق شده است. خداوند او را مورد توجه قرار نمی دهد و از وی شکست نمی خورد. بندگان از

[ صفحه ۱۹ ]

مملکت وی دور نمی شوند بلکه او مالک آنهاست و آنچه دیگران توانایی دارند او بر آنها تواناتر است. همچنین امور آنها را مختارانه در میان آنها قرار داده است. هنگامی که اطاعت نمایند از آن ضرر نمی بیند. و اگر به گناه روی آورند، شاید بر آنها منت نهد تا وضعیت کنونی آنها را متحول سازد و اگر چنین نسازد به معنای جبر نیست بلکه بر آنها منت نهاده و آنها را نسبت به آن معصیت آگاه و

هوشیار گردانیده است. لذا هیچ گونه جبری در آن وجود ندارد تا مانند ملائکه باشند یا جبراً آنها را از کاری باز داشته اند و دلیل روشن تنها از آن خداست، اگر بخواهد همه را هدایت خواهد نمود (...)[۱۲].

این عبارات عقاید و افکار عمیق امام علیه السلام را ذکر می کند بصورتی که بدلیل عمق آن بسیاری از اهل فکر در درک آن ماندند و گروههای مختلفی همچون اشاعره و معتزله از دل آن خارج شدند آنچه از تفسیر عقاید صحیح و کلام امام علیه السلام حاصل می شود تعبیری عمیق از اصالت در فهم دانشهای اسلامی است که ارتباط امام حسن علیه السلام را با منابع پاک رسالت و درک ایشان از مفاهیم اصیل را نشان می دهد.

ب: به او گفته شد که زهد چیست؟ فرمود: رغبت به دوری از گناه. گفته شد بردباری چیست؟ فرمود فرو نشانیدن خشم و تسلط بر نفس، گفته شد کار صحیح چیست؟ فرمود: دفع منکر بواسطه معروف، گفته شد شجاعت چیست؟ فرمود: دوری از آزار همسایگان و صبر در مقابل هموطن و قیام در برابر بدها. گفته شد مجد و بزرگی چیست؟ فرمود: تحمل در نداری و بخشش در جرم. گفته شد جوانمردی چیست؟ فرمود حفظ دین، نگهداری نفس، رحم نمودن، تعهد، ادای حقوق و مهر ورزیدن به

[ صفحه ۲۰ ]

مردم (...)[۱۳].

ج: مرد شامی از امام حسن علیه السلام پرسید: فاصله حق و باطل چه مقدار است؟ فرمود چهار انگشت. آنچه با چشم می بینی همان حق است و آنچه با گوش خود می شنوی همان باطل می باشد، مرد شامی گفت: فاصله ایمان و یقین به چه

اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود چهار انگشت ایمان همان است که می شنویم و یقین آن است که می بینیم. مرد شامی پرسید فاصله زمین و آسمان چقدر است؟ امام علیه السلام فرمود: به اندازه فریاد مظلوم. مرد شامی پرسید فاصله شرق و غرب چه اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود: به اندازه مسیر حرکت خورشید در روز. [۱۴].

د: از میراث فکر والای امام حسن علیه السلام است که فرمود: «ای مردم هر کس اگر برای خداوند نصیحت کند، کلامش دلیل هدایت شود و خداوند او را برای ارشاد و اعمال نیک توفیق دهد و اجرش در نزد خداوند محفوظ است. و دشمن خدا ترسان و ذلیل است، لذا خدا را دائما در یاد داشته و با خشوع به خدا تقوی پیشه کنید و با اطاعت خدا به او نزدیک شوید در حالی که او نزدیک است و اجابت می کند همانطور که خداوند فرمود: (اگر بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسیدند بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود و هر کس که مرا خواند دعای او را اجابت می کنم باید دعوت مرا و پیغمبران مرا بپذیرند تا به سعادت راه یابند) [۱۵].

پس خدا را اجابت کنید و به او ایمان آورید. کسی که عظمت خدا را بشناسد

[ صفحه ۲۱ ]

هیچگاه احساس بزرگی نمی کند، متواضع می شود. و خود را ذلیل می پندارند. و درک سلامتی که خداوند آنرا تقدیر نمود سبب تسلیم در مقابل وی می شود. در حالی که بعد از شناخت خود را انکار نمی کنند. و بعد از هدایت گمراه نمی شوند، و بدانید که شما انسان



با تقوی را نمی شناسید مگر آنکه صفات هدایت را بشناسید و به کتاب خدا تمسک نمی جوئید و آنرا نشناخته و قرائت نمی کنید مگر آنکه نویسنده آنرا درک نماید. و اگر دلایل تحریف را نسبت به خدا مشاهده کردید مراقب باشید کسانی که نمی دانند شما را به جهل وادار نمایند. آنرا در نزد اهل علم دریابید زیرا که آن نوری است که روشنگر آنهاست و به ائمه علیهم السلام اقتدا نمایید زیرا که به واسطه ی آنان عالم زنده و جاهل نابود شود. آنان کسانی هستند که با بردباری، از جهل آگاهتان می کنند و منطق به راستگویی در ظاهر و باطن آنها حکم نموده و هرگز با حق مخالفت ننموده و در آن اشکال نمی کنند. از سوی خداوند برای آنها سیره و حکم معین گردیده و آن بیانی برای آگاهی است لذا هنگامی که آن را شنیدید با عقل باطن درک نمایید و نه با عقل روایی زیرا که راویان کتاب زیاد و متفکران در آن کم هستند و خداوند یاری دهنده است. [۱۶].

ه: روزی درباره ی سیاست، از امام حسن علیه السلام پرسیده شد؟ فرمود: که آن حقوق خداوند و بشر اعم از زنده و مرده را نگهداری می کند، اما حقوق الهی ادای آن چیزی است که درخواست نموده و دوری از آنچه نهی کرده. اما حقوق زندگان: انسان وظایف خود را پیرامون برادران خود انجام دهد و از خدمت به امت دریغ نکند و نسبت به ولی امر اخلاص داشته باشد و سر خود را در مقابل وی بالا بگیرد اگر از طریق خلاف باز نگشت. اما حقوق مردگان: خیرات

آنها را زیارت کنی که برای آنها محاسبه می شود. این قطره ای بود از علوم و انوار معرفت و کمال عقلی که خداوند به امام حسن علیه السلام اعطا نموده تا به صورت میراث فکری برای نسلهای آینده امت اسلامی در طول تاریخ باقی بماند. [۱۷].

۳- زوایای اخلاقی: هنگامی که به مطالعه این بخش از شخصیت امام حسن علیه السلام می پردازیم عناصر شخصیتی و ویژگی های اخلاقی آن امام را به روشنی ملاحظه می کنیم.

در اینجا نمونه هایی از اخلاق و روش رفتار امام علیه السلام با انسانها را برای ارائه طریق ذکر می نمایم.

### تواضع

الف: کتابهای سیره ذکر نموده اند که روزی امام علیه السلام از کنار فقرا عبور نمود که بر روی زمین تکه ای از نان قرار داده اند - آنرا از راه یافته بودند و می خوردند - از وی دعوت به خوردن نمودند امام دعوت آنها را پذیرفت و فرمود: خداوند متکبران را دوست نمی دارد. پس از خوردن نان آنها را به مهمانی خود دعوت نمود و به آنها غذا، لباس و پول داد.

ب: نقل شده از وی که روزی بر کودکانی که غذا می خوردند عبور نمود، از وی دعوت کردند وی نیز پذیرفت سپس آنها را به خانه خود دعوت و به آنها بخشش نمود.

ج: نقل شده که او در مکانی نشسته بود و هنگامی که می خواست بلند شود فقیری وارد شد. امام علیه السلام به او فرمود: هنگامی که می خواستم از این جا خارج شوم شما وارد

شدید آیا اجازه خروج به من می دهید؟ مرد جواب داد بله! ای پسر رسول الله. این

حدیث حسن معاشرت همراه با تواضع امام را برای ما بیان می دارد.

### احسان به کسانی که بدی نموده اند

الف: نقل شده که ایشان گوسفندی را دید که پاهایش را شکسته اند. به آن غلام گفت: چه کسی این کار را انجام داده؟ گفت: من. فرمود: برای چه؟ گفت: برای اینکه ناراحتی برایت ایجاد کنم. به آن غلام در حالی که تبسم نموده بود گفت: آزادش کن و به او غذا بده.

ب: نقل شده که مردی شامی - از همان کسانی که معاویه ابن ابی سفیان آنها را با کینه نسبت به خاندان رسول پرورش داده بود - امام حسن علیه السلام را سواره دید و شروع به لعن وی کرد!! امام حسن علیه السلام جواب وی را نمی داد. وقتی که مرد از دشنام دادن فارغ شد امام حسن علیه السلام با صورتی خندان بسوی وی رفت و گفت: ای شیخ، فکر می کنم که غریب هستی و مرا اشتباه گرفته ای! اگر خسته هستی تو را برای استراحت دعوت می کنم و اگر درخواستی داری اجابت می کنم و اگر نیاز داشته باشی تو را بی نیاز می کنم و اگر در حال فرار بودی تو را پناه می دهم و اگر حاجت برآورده نشده ای داری آنرا برآورده سازم و اگر بسوی ما سفر کنی و مهمان تا زمان سفرت باشی ما به تو جا می دهیم. هنگامی که شامی سخنان امام حسن علیه السلام را شنید گریه کرد و گفت: شهادت می دهم که تو خلیفه خدا در زمین هستی، خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا قرار دهد، تو و پدرت بدترین مردم در نزد من بودید ولی اکنون تو و پدرت

بهترین خلق خدا برای من هستید. امام حسن علیه السلام وی را تا پایان سفرش مهمان نمود و عقیده و فکرش را

[ صفحه ۲۴ ]

نسبت به خاندان رسول تغییر داد.

## سخاوت

یکی از صفات امام حسن علیه السلام که از مجموعه ی اخلاقش حاصل شده، بخشش است. هدف عمده از داشتن مال در نزد او این است که عریانی را پوشاند یا اینکه فریادرسی را به فریاد رسد یا اینکه قرض ور شکسته ای را عطا کند یا اینکه گرسنه ای را سیر کند. یک بار به او گفته شد که: هیچگاه ما شما را ندیدیم که درخواست کننده ای را دست خالی برگردانی! فرمود: (درخواست کننده از خداوند است و آن خواسته ای بزرگ است. من خجالت می کشم که درخواست شونده باشم و درخواست کسی را برطرف سازم، خداوند امانتی را به من داده که بواسطه آن نعمتهایش را تقسیم کنم و امانت بخشش نعمتهایش را به من عطا فرموده، لذا من پرهیز دارم که عادت را قطع نموده یا مانع آن عادت شوم) این نمونه ای از کرم امام علیه السلام می باشد.

مرد بیابانگردی آمد و درخواست نمود: فرمود آنچه در خزانه است را به وی بدهید - و در خزانه ده هزار درهم بود - مرد بیابانگرد گفت که: آقا! آیا اجازه می دهی که آنچه را در سینه دارم در مقابل درخواستم به مدح شما پردازم. امام حسن علیه السلام درخواست وی را اجابت نمود. ما مردمان درخواست و طلب داریم / و امید و آرزوی برطرف شدن داریم / قبل از درخواست کردن درونی ما از اینکه آبرویمان برود درخواست نمی کنیم / در حالی که دریا فضل و بخشش داشته

و برآورده می کند درخواست ما را از فضل و بخشش وی دریا باید خجالت بکشد./

امام حسن علیه السلام باغی را از یکی از یارانش به ۴ هزار درهم خرید سپس شنید که آنها به آن باغ محتاج شده اند. آنرا به آنها بدون هیچ منعی بازگرداند. این بود برخی از

[ صفحه ۲۵ ]

ویژگی های امام علیه السلام و گوشه ای از کردار سخاوتمندانه وی با امت خویش که اثر بسیاری در تجسم خلق و خوی اسلامی وی داشت. [۱۸] تا اینجا به اندازه توانایی توانستیم تصویر روشنی از عناصر شخصیتی امام حسن علیه السلام که به اعتباری از روشن ترین نمونه های شخصیت های اسلامی است که تاریخ توانسته بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا بشناسد را ارائه دهیم. لذا بعضی از واقعیت های علمی و حوادثی که اتفاق افتاده را نقل کردیم تا بطلان نظریه کسانی که اظهار می کنند که روش اسلامی روش غیر قابل تطبیق با عمل است ثابت شود.

## نقش امام حسن علیه السلام در حیات اسلام

### اشاره

نقش امام حسن علیه السلام در دنیای اسلام در واقع قبل از به دست گرفتن امامت از پدرش بود. و نقش ایجابی وی بعد از بیعت مسلمانان با حضرت علی علیه السلام بعد از رحلت امام علی علیه السلام بسوی خدا آغاز شد. امام حسن علیه السلام از منظر کفایت و قدرت و حکمت و مبارزه نظیر نداشت کسانی که در سیره ی امام حسن علیه السلام مطالعه نموده اند نقش ویژه ی وی را در آن دوره مورد توجه قرار داده اند.

### در دوران امیرالمؤمنین

نقش امام حسن علیه السلام در زمان پدرش و در روزگار تحقق خلافت متفاوت بود بصورتی که در روزگار پدر با خضوع تمام نسبت به وی که امام بود مانند فرزند و پدر رفتار نمی کرد بلکه همچون سربازی مطیع، در خدمت او بود و لذا بر این اساس نقش

[ صفحه ۲۶ ]

امام حسن علیه السلام در دوران سخت پدر، تجسم واقعی مفهوم اطاعت مطلق نسبت به امام بود.

الف: هنگامی که لشکر امام علی علیه السلام در مقابل ترمذ طلحه و زبیر در بصره و حرکت طغیان آنان در شام به رهبری معاویه ابن ابوسفیان به مقابله ایستاد. امام علی علیه السلام احتیاج به جمع آوری مردم کوفه برای دور نمودن اشرار و خاموش کردن فتنه که برپا شده بود داشت، لذا فرزندش امام حسن علیه السلام را برای این امر مهم انتخاب نمود، تا اهل کوفه را آماده سازد و آنها را به مواضع اصیل اسلامی که حضرت علی علیه السلام نمایانگر آن بود دعوت نماید. امام حسن علیه السلام می

پذیرد و همراه با یارانی همچون عمار بن یاسر به سوی کوفه می رود و همراه خود نامه ی حضرت علی علیه السلام را برای  
ابوموسی اشعری والی کوفه می

برد تا به او اعلام دارد که به دلیل تحریک مردم به عدم یاری حضرت علی علیه السلام کناره گیری نموده است. هنگامی که امام حسن علیه السلام به کوفه رسید جمعیت کثیری پرچم یاری وی را برپا داشتند. امام حسن علیه السلام در میان آنها سخنرانی نمود که در آنها نشاط و آماده سازی برای برپا داشتن پرچم جهاد را فراهم ساخت. امام حسن علیه السلام در دعوت آنها به یاری حق و انجام رسالت، دولت کریمه موفق شد. [۱۹].

ب: جنگ جمل در بصره به پایان رسید، و به سرعت نیروی اهل شام به رهبری معاویه در صفین موضع گرفتند، حضرت علی علیه السلام در اعلامیه ای تحرکات حزب اموی را اعلام نمود و لشکر خود را پیرامون این مسئله آگاه ساخت و با آنها مشورت نمود و آنها نیز اطاعت و انقیاد خود را به امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام داشتند. امام حسن علیه السلام در

[ صفحه ۲۷ ]

میان مردم به ایراد سخن پرداخت که عزم و نشاط را در درون آنها زنده نمود، و فرمود: (سپاس خدایی که غیر از او خدایی نیست، تنهاست و شریکی ندارد و ستایش می کنم او را به آنچه که شایسته او است، از جمله چیزهایی که خداوند برای شما بزرگ داشته، ادای حقش می باشد. او نعمتهای فراوانی را بر شما ارزانی داشته که نمی توان برشمرد و نمی توان شکر آنرا نمود و نه نمایانگر تمام صفات و کمال وی می باشد، در صورتی که ما حق خدا را غصب نماییم به ما منت می گذارد لذا باید بر تمام داده ها و بلاها و نعمتهای خداوند او را شکر نمود. کلامی که قبول باشد بسوی

خدا می رود و در آن صدق کلام خدا نمایان می شود که نیازمند افزایش آن از سوی خدا می باشیم، کلامی که افزایش می یابد و کاسته نمی شود. قومی به یک امر اجتماع نمی کند مگر اختلاف حاکم نشود و پیمانهایشان بیشتر شود. لذا در جنگ با دشمن خود، معاویه و یارانش آماده شوید زیرا که وی آماده گشته، جنگ را ترک نکنید که سبب قطع امید می شود. باید بر شیوه سنت و عصمت گام برداشت زیرا که اگر قومی بر این روش نرود خداوند علتها را ایجاد می نماید و حوائج ذلیل و ناچیز را برای آنها کفایت می کند و آنها را بسوی آگاهیهای علت یاب هدایت می کند. [۲۰].

بر همین اساس کلام امام حسن علیه السلام سبب وحدت در صفوف مردم شد و مقابله با حزب و گروه معاویه تمام منافع آنها را قطع نمود.

ج: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نسبت به حکمیت هشدار داده بود که آن نیرنگ است، اما بعد از حکمیت که به خذلان و خاری ابوموسی اشعری در مقابل امام علی علیه السلام منجر شد، اضطراب بر لشکر امام علی علیه السلام مستولی گشت و جدایی میان آنها

[ صفحه ۲۸ ]

حاکم شد و هر گروه از دیگر دور می شد و همدیگر را دشنام می دادند، در این هنگام حضرت علی علیه السلام تصمیم به روشن سازی حقیقت برای دفاع از حق و منطق موضع حکمیت شد. لذا این امر مهم را به امام حسن علیه السلام واگذار نمود و فرمود: ای فرزند برخیز و درباره ی این دو نفر سخن بگو. (عبدالله بن قیس (ابوموسی اشعری) و عمرو بن عاص) امام



حسن علیه السلام برای روشن شدن حقیقت سخنانی نمود: (ای مردم شما این دو مرد را پذیرفتید، که بر اساس کتاب و در جهت هدایت حکمیت نمایند، اما آنها بر اساس هوای نفسانی حکم نمودند، در غیر این صورت این حکم نبود بلکه آنها محکوم می گشتند، عبدالله بن قیس در قرار دادن عبدالله بن عمر اشتباه نمود: اول اینکه وی با پدرش مخالفت نمود و از او راضی نبود و او را در میان اهل شورا نگمارد، دوم اینکه بر نفس خویش حاکم نیست. سوم اینکه مهاجرین و انصار که در حکومت هستند و به مردم حکومت می کنند بر وی اجماع نکردند. اما رسول اکرم صلی الله علیه و آله سعد بن معاذ را به عنوان حکم منصوب کرد و وی نیز به آنچه خدا را راضی می نمود عمل کرد و هیچ شکی نیست که در صورت مخالفت با خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا نمی پذیرفت). [۲۱].

بر این اساس امام حسن علیه السلام دست بر نقاط انحرافی نهاد و از فریبکاری در حکمیت پرده برداشت، لذا ابوموسی اشعری که غوغاگران وی را انتخاب نمودند. لشکر امام علی علیه السلام اشتباه نمود و وی را به این کار بدون داشتن درایت و تدبیر گماردند. وی به سادگی معروف بود لذا امام حسن علیه السلام بعضی اشتباهات وی از جمله به برکناری حضرت علی علیه السلام و گماردن عبدالله بن عمر بعنوان خلیفه مسلمین اشاره نمود که با توجه به این امر و انجام سه اشتباه بدون توجه به سایر اشتباهات از حکمیت خارج

[ صفحه ۲۹ ]

می شود. اولاً: هنگامی که عمر از نزدیکان خود شش نفر

را در شورا گمارد پسرش عبدالله را در میان آنها قرار نداد زیرا وی شایستگی خلافت و رهبری عمومی را نداشت، ثانیاً، بیعت همان طوری که سیره نشان می دهد، ابتدا مهاجرین و انصار پیمان می بستند و بعد از آنها مردم بیعت می کردند. چگونه اشعری اجازه داشت بدون حضور آنها دست به چنین کاری بزند؟ ثالثاً: اشعری در آن وقت که به خلافت منصوب نمود از رای خود در آن زمینه و به آنچه که وی رد یا قبول می کرد آگاهی نداشت، لذا نباید فردی از آنچه که آگاهی ندارد رای خود را در آن مسئله تاریخی دخالت دهد. آنگاه حضرت امام حسن علیه السلام برای مردم پیرامون حکمیت واقعی در نزد خداوند مثال زد و حکمیت سعد بن معاذ از رسول خدا در قضیه بنی قریظه را یادآوری نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از اینکه وی به حق از جانب و سخن گفت. پیروز گشت. و تمام کسانی که با آنها جنگیده بودند را به قتل رساند.

د: امام حسن علیه السلام در تمام جنگهایی که پدرش در بصره داشت شرکت نمود، نهروان، صفین که در آن نقش مهمی داشت بصورتی که آن جنگها و فتنه ها را خاموش نمود.

### **در دوران حکومت امام حسن مجتبی**

قسمت بعدی نقش امام حسن علیه السلام در دنیای اسلام بعد از پدرش، با امامت وی آغاز می شود، امام علیه السلام مجازات جنایتکارانی چون ابن ملجم و دیگران می پردازد. امام علی علیه السلام به فرزندش سفارش نمود که «... ای فرزند، رسول خدا به من دستور داد که به تو سفارش کنم و کتاب و سلاحم را به تو بدهم. همانطور

کتاب و سلاحش را به من داد و به من سفارش نمود که به تو بگویم که در زمان مرگ آنها به برادرت حسین بدهی ... ) امام علی علیه السلام به فرزندش فرمود که: (رسول خدا دستور داده که آنها به فرزندت بدهی.) سپس دست علی بن حسین را گرفت و فرمود: (که رسول خدا به تو دستور داده که تو آنها به فرزندت محمد بن علی بدهی. سلام رسول خدا و مرا به وی برسان. [۲۲] امام حسین و محمد فرزندش و تمام بزرگان شیعه و فرزندانش به آن وصیت شهادت داده اند.

در روزهای آخر عمر، حضرت علی علیه السلام بسیاری از سفارشات و توجهات پیرامون اقامه حق و التزام به آن را به فرزندانش بخصوص امام حسن علیه السلام - به همراه تایید خلافت و امامت وی - نمود. بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام اهل کوفه دیوانه وار از این مصیبت دردآور بسوی مسجد هجوم آوردند امام حسن علیه السلام در میان توده مردمی که دورش را گرفته بود ایستاد و اولین کلام خود بعد از رحلت رهبر بزرگ اسلام را ادا نمود: «در چنین شبی مردی رحلت نمودند که در عمل حتی اولین افراد به گرد پای وی نمی رسیدند و دیگران آنها را با عمل درک نمی کردند، با رسول خدا صلی الله علیه و آله مجاهدت می نمود و رسول خدا پرچم خود را به او داده بود در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ نگه داری می کردند و باز نمی گشت مگر آنکه خدا بواسطه وی فتح کامل را حاصل نماید.

او در چنین شبی رحلت نمود که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به آسمان عروج کرد و شب رحلت یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام،

[ صفحه ۳۱ ]

لوح و چیزی جز ۷۰ درهم که آن را هم بخشید باقی نگذاشت.

امام حسن علیه السلام از سخنرانی باز ایستاد، در حالی که از یادآوری چهره امام علی علیه السلام و اعمال و مواضع جاویدان وی شروع به گریه کردن نمود و مردم نیز در گریه کردن با او مشارکت نمودند، سپس سخنان خود را ادامه داد: «ای مردم هر کس که مرا می شناسد که شناخته است و کسی که نمی شناسد بداند من حسن بن علی، فرزند پیامبرم، من فرزند وصی رسول خدا هستم، من فرزند بشارت دهنده و انذار کننده هستم من فرزند دعوت کننده بسوی خدا به دستورش می باشم من فرزند چراغ نورانی و از خاندان پیامبر هستم که جبرئیل در آن نازل و از آن بالا می رفت و من از خاندان پیامبر هستم که خداوند ناپاکی را از آنها دور داشته محبتشان را بر مسلمانان فرض نموده است. خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش فرمود: بگو ای پیامبر که من از شما اجر و مزدی نمی خواهم مگر محبت نمودن به نزدیکانم و هر کس ... و اعطای حسنه را از محبت به اهل بیت اعطا نموده. [۲۳].

بر این اساس امام حسن علیه السلام صفات رهبر رحیل علیه السلام و صفات و جایگاهش را در دنیای اسلام و مسلمانان مشخص نمودند و رهبری کشتی مسلمانان را برای احقاق حق الهی بر عهده گرفت. امام حسن علیه السلام هنوز سخنرانی خود را به پایان نرسانده بود که

ابن عباس قیام نمود و مردم را به بیعت دعوت کرد و به این طریق با امام بیعت نمود. وقتی بیعت برای امام حسن علیه السلام بعنوان خلیفه و امیرالمؤمنین در کوفه و جاهای دیگر به پایان رسید و خبر رحلت امام علی علیه السلام بسوی خدا و انتقال خلافت به فرزندش پخش شد، معاویه از شنیدن خبر شهادت حضرت علی علیه السلام احساس خوشحالی نمود و

[ صفحه ۳۲ ]

در پایتختش جشن و سرور برقرار شد. غیر از این معاویه دستور بیعت با امام حسن علیه السلام را به تمسخر گرفت. مشاوران و فرماندهان و یاراناش را فراخواند که کنگره ای برای مشورت پیرامون وقایع جدید و روش سیاسی امام حسن علیه السلام تشکیل دهند.

در این کنگره قرار شد که جاسوس هایی در داخل جامعه اسلامی که امام حسن علیه السلام رهبری می نمود بفرستند تا با ایجاد ترس و وحشت و شایعه پراکنی بر علیه حکومت اهل بیت علیهم السلام بپردازد تا با فتنه گران در شام صلح نماید، در موقعی که حزب اموی تلاش می نمود که کار وسیعی برای کسب رهبری و نقش مؤثر در عراق انجام دهد با پرداخت رشوه، وعده های فریبنده و هدایا و تهدید و ... برای آن عمل اقدام می نمودند. معاویه به سرعت نقشه های کنگره را به اجرا درآورد و شبکه جاسوسی را تشکیل داد و دو فرد حيله گر (حمیری را به کوفه و قینی را به بصره) فرستاد. [۲۴] بر این اساس امام حسن علیه السلام امور حکومت و تجهیزات آن را بصورت استوار بنا نهاد تا نقشه های اموی را ظاهر نماید. بر اثر کشف نیات معاویه نسبت به دولت اهل بیت علیهم السلام، امام حسن علیه السلام نامه ای

برای معاویه فرستاد و او را به جنگ تهدید نمود: و.. و اما تو جاسوسها را به سوی من فرستادی، چونان بنظر می رسد که جنابعالی مایل به رویارویی هستی، در آن شکی نیست، و به خواست خود آن حاصل می شود. به من خبر رسیده که تو احساس خوشحالی نموده ای از آنچه که هیچ کس احساس خوشحالی نمی کند و مثال تو همانند آنکه گفت: من با هر کسی که از ما بمیرد همانند می رود و در اقامتگاه می ماند تا بازگردد، پس بگو به آنکس که بعد از آنکه رفته می ماند، آماده رفتن دیگری باشد که آن فردا می باشد.»

[ صفحه ۳۳ ]

معاویه نیز در جواب نامه ای به امام علیه السلام نوشت و در آن اظهار خوشحالی پیرامون مرگ حضرت علی علیه السلام را کتمان نمود، نامه ها میان امام حسن علیه السلام و معاویه رد و بدل شد که مهمترین نامه امام حسن علیه السلام به معاویه در جواب جدایی و دوری از پرچم دین بود و این امر بقدری بالا گرفت که معاویه برای امام حسن علیه السلام نامه ای نوشت و در آن درخواست کنار آمدن وی از حکومت شد. و در سایه حکومت وی قرار گرفتن تا او خلیفه گردد. تا خلافت بعد از معاویه به امام حسن علیه السلام برسد - نیرنگ و فریبی را ریخته بود. - امام حسن علیه السلام در نامه ای که در آن روح اصرار و پافشاری وجود داشت نوشت. (اما بعد، نامه ی تو به من رسید که در آن تذکراتی داده بودی و من جواب نامه ی تو را ترک گفتم و به خدا از آن پناه می برم. از حق تبعیت

کن که من از آن هستم، و بر من گناه است چیزی بگویم که دروغ باشد. والسلام.) [۲۵] نامه ها بعد از آن قطع شد و درگیری بالا گرفت و اعلام حالت جنگ شد، معاویه اولین کسی بود که اعلان جنگ نمود و لشکرهايش را بسوی عراق فرستاد.

و در فضای دولت اسلامی خبر حرکت اموی بسوی عراق رد و بدل می شد و امام علیه السلام سعی در اعلان دفاع در مقابله با دشمن تجاوزکار می کرد امام حسن علیه السلام اطلاعیه داد و در آن مردم را به آماده سازی نیرو برای جنگ دعوت نمود. (و اما بعد که خداوند جهاد را بر آفریدگان به ناچار گمارد و به جهادگران فرمود که صبر پیشه نمایند که خداوند با صبر کنندگان است، ای مردم با آنچه دوست دارید و در مقابل آنچه نمی پسندید صبر کنید و بسوی لشکر به طرف نخلستان حرکت کنند تا همدیگر را ببینیم. خداوند شما

[ صفحه ۳۴ ]

را رحمت کند.) [۲۶] اما آنچه که درون مجموعه افرادی که بیان امام حسن علیه السلام را شنیده بود تکان می داد، شایعات و ادعاهای اموی بود که آنها را می فریفت و از حرکت برای دفاع از حق باز می داشت. آنها به علت عدم آمادگی در مقابل حق قرار گرفتند و دعوت برای جنگ و تجهیز خود و تحمل مسئولیت مورد توجه قرار نگرفت. مردم دچار عافیت طلبی شدند و رضایت به وضع موجود دادند. اموال حکومت اموی نیز آنها را فریب داد. امام علیه السلام از آنها ناامید شد، هنگامی که دید مردمی که آنها را رهبری می کند از حزب اموی فریب خورده اند. و آن توده ی

بشری هدایت شده که بواسطه یک فریب ساده، احساسات و زندگی خود را از دست دادند در اثر ضعف ایمان در ترکیبهای روحی و عدم درک اهمیت تاریخی برای حفظ رسالت الهی بود که در آنها فزونی یافته بود. و عدم درک نقشی که خط امام حسن علیه السلام در زندگی اسلامی عهده داشت و عدم اطاعت ما از حقیقت اسلام که توسط وحی به رسول کریم نازل می گردانید، عامل انحراف مردم گشت.

در میان این توده گمراه شده و سرخورده عده ای وجود داشتند که با نفرت از پیمان شکنان در صف مخلصین و بزرگان حقیقی و پیرو اهل بیت علیهم السلام از اخلاص خود بر نگشتند و ملامت های دیگران را بر خود با جرأت و شجاعت تحمل می کردند. در آغاز این حرکت مخلصین عبارت بودند از: عدی بن حاتم، قیس ابن سعد بن عباده و معقل بی قیس و زیاد بن صعصعه تمیمی. [۲۷] آنها این خبر عمده را به مردم رساندند و آنها را ملامت نمودند و دعوت به قیام پیرامون مسؤولیت خویش کردند. در آن وقت

[ صفحه ۳۵ ]

همگی متوجه امام حسن علیه السلام شدند و از وی حمایت نمودند و نسبت به آنچه در گذشته اتفاق افتاده در راه یاری حق و رویارویی با فتنه گران و طغیان گران با وی بیعت کردند. امام علیه السلام نسبت به این موضع گیری صادقانه، آنها را ستایش نمود و به آنها فرمود: راست گفتید، خدا به شما رحم نماید و من صدق نیت، وفا و دوستی درست شما را می دانم، خدا شما را جزای خیر دهد. [۲۸] علیرغم دستور امام علیه السلام تعداد زیادی از لشکر مخلصین در نخلستان



کاسته شد. و امام علیه السلام نیز با لشکری که تعداد آن ۴ هزار نفر روایت گشته به آنها ملحق شد و سعی در بازگرداندن مردم برای یاری حق و قبول دفاع از اسلام نمود.

اما تلاش اطرافیان امام حسن علیه السلام برای بازگرداندن مردم به کوفه ثمری نداد. بر این اساس لشکر بزرگی که از معنویات ضعیف شده بوده تشکیل گردید. به نخلستان که رسیدند به لشکر آماده گردید. و نقشه رهبری گروه ترسیم شد. به دیر عبدالرحمن رفتند و در آنجا یک مقدمه برای لشکر فرستاده شد که پسر عم امام حسن علیه السلام عبید الله بن عباس رهبری آن را بر عهده داشت که در بیان تکلیف به وی فرمود: «پسر عمو: من همراه تو ۱۲ نفر که از سواران عرب هستند همراه با نامه ای برای تو می فرستم، با آنها حرکت کن، مهربانی با آنها را پیشه کن و خوش رو باش و دامن خود را برای آنها بگستران و به خود نزدیک کن زیرا آنها از پیروان مطمئن امام علی علیه السلام هستند و با آنها بر رود فرات قرار گیر تا لشکر معاویه را استقبال نمایی هنگامی که تو به آنها رسیدی صبر کن تا من به تو برسم و من نسبت به تو توجه دارم و خبرهای تو را هر روز دارم و با قیس بن سعد و سعید بن قیس مشورت کن، وقتی که به معاویه

[ صفحه ۳۶ ]

رسیدی با وی نبرد نکن، بگذار تا او با تو بجنگد و اگر چنین نمود با او بجنگ و اگر به تو آسیب رسید قیس بن سعد و در صورت آسیب رسیدن به وی سعد بن قیس

را به مردم به عنوان فرمانده معرفی کن. [۲۹].

گروه اول موضع خود را در دامنه رود دجله عراق قرار داد. و در زمان حرکت امام حسن علیه السلام لشکر وی در سابط نزدیک مدائن قرار داشت. این لشکر به علت‌های مختلف حرکت نکرد در لشکر امام علیه السلام جدایی، ترس و وحشت حاکم گشت که سبب امضای معاهده با معاویه شد. البته ظرفیت‌ها و نتایج این قرارداد بر بسیاری از محققین مخفی مانده است. ما سعی می‌کنیم که این قرارداد را نقد و تحلیل کنیم تا به حقایق امور برسیم تا ذکاوت امام حسن علیه السلام بیشتر روشن شود.

### علل معاهده و ریشه‌های آن

از هنگامی که سیره عملی امام حسن علیه السلام را دنبال نمودیم - خواه در زمان امام علی علیه السلام یا در زمان حکومت خود - شخصیتی بزرگ که به سوی بلند مرتبگی گام برمی‌داشت و در سرعت حرکت و موضع‌گیری، نظیری نداشت را مشاهده نمودیم، و آثار وجودی او را برای پیروزی اسلام در جنگ جمل لمس نمودیم، همچنین تلاش وی برای دور کردن معاویه را در صفین دیدیم، و سخنرانی بعد از حکمیت که با ابطال حکومت اموی استوار بود و فتنه‌ی شام را برای استوار نمودن پایه‌های حکومت اسلامی خاموش کرد را شنیدیم. وی علیرغم تلاش‌های معاویه رویاروی او ایستاد و جنگ را با

[ صفحه ۳۷ ]

درونی مطمئن که چیزی جز حق را نمی‌شناخت و در مقابل باطل کوتاه نیامد را پذیرفت، اما ظرفیتهای بوجود آمده در زمان امام حسن علیه السلام سبب شد که موضع وی را بشکل نادری در تاریخ بوجود آورد. زیرا لشکری که امام حسن علیه السلام فرماندهی آن بود. به بلاهای بسیاری

از جمله رخنه‌ی گناهکاران و خیانت‌پیشگان در آن مبتلا گشته بود که سبب تسلیم امام علیه السلام به دشمن شد، لذا مردمی که از آن بهره می‌بردند و برای آینده‌ی آن نقشه می‌کشیدند وی را مجبور به صلح با دشمن به دلیل شایعه‌ها و فریبکاری‌ها کردند.

بر این اساس موضع قوای دولت بطور ذاتی بسوی خدمت به مصالح اموی گام بر می‌داشت و این مهمترین حادثه دردناک بود که پیرامون امام حسن علیه السلام را احاطه کرده بود. این حوادث عبارت بودند از:

۱- خیانت فرمانده بر روی خط آتش - عبیدالله بن عباس - و پیوستن وی به معاویه و ثلث از همراهان وی در خط مقدم لشکر که به رویارویی با دشمن مکلف بودند - که منجر به بلاها و ترس و وحشت در لشکر امام حسن علیه السلام در آن زمان شد. خیانت عبیدالله بن عباس بر اثر اخذ رشوه از معاویه صورت گرفت.

۲ اما لشکری که امام علیه السلام خود فرماندهی آنرا بر عهده داشت بر اثر شعارها و هوی و هوس به مصالح و افکار گوناگون متفرق شد. [۳۰] در آن لشکر عده‌ای برای جمع‌آوری غنایم و عده‌ای برای بازگشایی عقده‌های خود نسبت به خاندان اموی آمده بودند اما درونشان به امام حسن علیه السلام و خاندان پیامبر علیهم السلام مایل بود و در لشکر نیز عده زیادی از کسانی که رابطه عاطفی با امویان در شام داشتند وجود داشت که از برای افتخار به ارتش اموی آمده بودند. اضافه بر این رواج ترس از جنگ در لشکر امام حسن علیه السلام نیز

[ صفحه ۳۸ ]

حاکم شده بود. اما عده‌ای از جنگجویان با سابقه، که

جنگهای زیادی را همراه با حضرت علی علیه السلام در صفین، نهروان و جمل بودند و زخمهای بسیاری یافته بودند در کنار مخلصین به اهل بیت علیهم السلام وجود داشتند که از لحاظ کمیت تعداد آنها مناسب با غوغا سالاران که افزایش می یافتند نبود و در مقابل حيله گران تعدادشان کم بود.

۳- اصرار معاویه در اعطای اموال بسیار زیاد به رهبران قبایل و تأثیر گذاردن در جامعه ی عراق با بخششی که نظیر آن وجود نداشت سبب تزلزل نیت های درونی مردم در راه امام حسن علیه السلام با معاویه شده بود. ثروت سلاح دو لبه ای می باشد که تأثیرش در قلب سبب صلح با معاویه گشت، تأثیر این عمل در اهل عراق بسیار وحشتناک بود بصورتی که در هنگام جنگ به خاطر ترس حاکم بر آنها نامه ای به معاویه می نویسند که ضمن بیعت با وی سعی خود را در تسلیم امام حسن علیه السلام بصورت اسیر خاطر نشان می سازند. [۳۱] لذا امام حسن علیه السلام فرمود: (به خدا اگر با معاویه نبرد کرده بودم تنها در صورت زدن گردن من می توانستند مرا بسوی وی اسیر ببرند و بخدا در صورت مصالحه با وی، من عزیز و بزرگ هستم. در نزد من جنگ با وی بهتر است از اینکه اسیر وی شوم یا بسوی من میل کند در حالی که دشنام بنی هاشم پیرامون ما باشد). [۳۲].

۴- امام حسن علیه السلام به نگه داشتن خونها و حفظ جان مخلصین بصورت خاص توجه می نمود و البته فرمایشاتی که از این نیت طبیعی وی تعبیر می کند وجود دارد مانند: (من از اینکه زمین از مسلمانان واقعی خالی شود ترسیدم،

لذا خواستم که برای دین نیز مدعی وجود داشته باشد). (هرگز صلح با معاویه را نخواستم مگر به خاطر حفظ شما).

[ صفحه ۳۹ ]

۵- قدرت دشمن و انضباط بالا و روح اطاعت و جلوگیری از تخریب وحدت میان صفها در لشکر معاویه و گردآوری افکار و مصالح سبب تضعیف امام علیه السلام و تفرقه لشکر و ایجاد انشقاق در آن شده است.

۶- امام حسن علیه السلام روح ایمان بسیار بالایی داشت، لذا همانطور که ابعاد شخصیت وی را درک کردیم از هر ناپاکی به تصریح قرآن دور بود و او از ارکان عترت مبارک به تصریح کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. وی با این روحیه از مکر و خیانت می نالید. لذا این روح وابسته به خدا و وام گیرنده از دین، مسیر این حرکت را می دید که کجا می رود، روش امام حسن علیه السلام عدم درگیری به وسیله جنگ و جاری شدن خونها که در مفهوم اسلامی نوعی پیروزی است می باشد. همانطور که در وضع عمومی یاران و سربازان وی دیدیم. برای معاویه ریختن خونها و گرفتن جانها تا زمانی که هدف اصلی وی حکومت بر مسلمین باشد هیچ اهمیت ندارد و لذا اموال و لذائذ دنیوی و سلطانی و قصر سبز برای وی مهم می باشد.

۷- هنگامی که امام علیه السلام اجتماع مردم گرد معاویه را دید، سعی در کشف حقیقت این اجتماع برای مردم نمود. زیرا این حرکت معاویه منجر به سلطه می گردید که در صورت حصول به آن تمامی شؤون امت را بدست می گرفت آنگاه طبیعت این حکومت و باطن آن نمایانگر حقیقت دوران امام علی

علیه السلام می شد. لذا کسانی که اطاعت معاویه را سر نهادند و مسئولیت این حرکت تاریخی سخت که امت را از رهبریت اهل بیت علیهم السلام محروم ساختند نه فقط در دوران ائمه اطهار علیهم السلام بلکه نسل اندر نسل بصورت یک روش اسلامی حاکم گشت و در کتابهای تاریخی به ثبت رسید.

۸- اما حرکت‌های زشتی که پیرامون امام علیه السلام صورت گرفت عده زیادی از

[ صفحه ۴۰ ]

مورخین سه نوع آنرا ذکر نموده اند که عبارتند از:

اولا شخصی با تیر کمان وی را در هنگام نماز مورد اصابت قرار داد ولیکن موفق نگردید.

ثانیا فردی در هنگام نماز با خنجر وی حمله نمود.

ثالثا امام علیه السلام در حرکت سوم که نجات وی بسیار عجیب بود عده ای از متعصبان و غوغاگران به خانه وی روی آوردند و در آن لحظه جراح بن سنان اسدی بسوی وی حمله نمود و با شمشیر در پای وی زخمی عمیق ایجاد نمود که امام علیه السلام مجبور به این شد که در رختخواب بخوابد. [۳۳] بعد از این حرکت در مدائن در نزد سعد بن معود ثقفی برای معالجه رفت.

۹- سلاح و ادعاهای وسیعی را معاویه برای ایجاد بلوا و آشوب ذهنی در جامعه عراق بکار گرفت، بصورتی که یاران و جاسوس های وی این ادعای مغرضانه را پخش نمودند و غوغاگران به آنها پیوستند و از موضع گیری ای که باید در مقابل آن بگیرند بازمان می داشت. از جمله این ادعاها عبارتند از: الف: امام حسن علیه السلام برای معاویه از صلح می نویسد. ب: اشاعه اینکه قیس بن سعد به معاویه تسلیم شده است. ج: و مهمترین شایعه آنها زمانی بود که گروه اموی

برای طلب صلح آمده بودند و امام علیه السلام آنرا نپذیرفت، آن گروه مذاکره کننده خارج که شد در میان مردم شایعه کرد که امام حسن علیه السلام صلح را پذیرفته است و خدا از ریختن خونها جلوگیری نموده، که این شایعه نقش مهمی در ایجاد غوغا علیه امام حسن علیه السلام داشت بصورتی که به خانه وی حمله برده و به وی تعدی کردند. هدف اصلی منادیان صلح جلوگیری از جنگ و دفاع بود.

[ صفحه ۴۱ ]

۱۰- رواج دعوت معاویه برای صلح در میان لشکریان امام حسن علیه السلام قبل از قبول آن از سوی امام حسن علیه السلام که سبب ایجاد هوای نفسانی در درون لشکریان گردید، یاران معاویه نیز در ایجاد آن پیشقدم بودند که در درون بسیاری از سربازان تأثیر گذارند و امام علیه السلام حقیقت واقع زمان را مورد پذیرش قرار داد.

۱۱- مردم که به واسطه معاویه دچار غفلت از واقعیت و انحراف آگاهانه شده بودند همچنین در سکوت از احقاق حق و دوری از باطل بسر می بردند. امام علیه السلام سعی در کشف انحراف و ادعاهای فتنه گران و دوری از صراط مستقیم را نمود و تلاش آنها را برای معاهده و قرارداد و میل به سلطه که وسیله ای برای دستیابی به مقدرات مردم و مقررات اسلامی که عاریه ای برای کسب حکومت و سبب ایجاد زمینه برای انقلاب امام حسین علی علیه السلام بود را روشن ساخت.

مهمترین علل و عواملی که بر امام حسن علیه السلام برای قبول قرارداد وارد شد، همچنین تأثیر ظرفیتهای زمانی که در آن مؤثر بود. آیا دیده اید که رهبر یا حاکمی در طول تاریخ به آنچه امام حسن علیه السلام به آن مبتلا گردید، راهی

جز راه امام داشته باشد؟ اما این رویارویی ضربه سختی بود که انسان عاصی توانایی تحمل آنرا ندارد و تنها مردان بزرگی همچون امام حسن علیه السلام توانایی مقابله با آنرا داشتند. لیکن امام علیه السلام اگر می جنگید تمام خاندان وی نیز کشته می شدند. و سیاست منحرفانه نقش خود را در خاموش کردن نور اسلام تا ابد و جدایی کامل میان حق و باطل به وسیله هر تسلطی که به آنها می شد یا سیاست استبدادی که اجرا می شد را اعمال می کردند. اما امام حسن علیه السلام به هدایت و حق تأکید می نمود لذا معنای قرارداد را انتخاب نمود که بعد از

[ صفحه ۴۲ ]

بیان دین و احکام و ابعاد آن برای امت محمد صلی الله علیه و آله در ادامه زندگی همانطور که در مرحله دوم زندگی مشاهده می شود پردازد.

مناسب است در اینجا مهمترین اصول دیگر قرارداد که میان امام حسن علیه السلام و معاویه منعقد گردید را بیان نماییم. [۳۴].

اولاً: که اداره شؤون امت را معاویه بر عهده گیرد به شرط اینکه به کتاب خدا و سنت رسول الله باشد. ثانیاً: امام حسن علیه السلام بعد از مرگ معاویه رهبری امت اسلامی را بر عهده بگیرد و در صورت اینکه امام حسن علیه السلام نیز رحلت نموده بود امام حسین علیه السلام متولی امور شود. ثالثاً: که مردم حق استفاده از آزادی و استقرار آن، - خواه عرب یا غیر عرب باشند از اهل شام یا عراق باشند - به خاطر موضع گیری سابق خود نسبت به حکومت اموی مؤاخذه نگردند.

این مهمترین بندهایی است که دو طرف به آنها اتفاق نمودند که برای خواننده، مصالح امت



اسلامی و رسالت کریمه نیز مشخص می گردد. در این قرارداد بیشترین سعی را امام حسن علیه السلام در احقاق حق امت و رسالت نمود بصورتی که اگر راه بهتر دیگری وجود داشت که می شد احقاق شود از انجام آن روی گردان نمی شد. اما در حرکت بعدی که متعرضینش به قرارداد اعتراض نمودند. در توضیح اهمیت این موضوع برای دنیای مسلمانان به بشیر همدانی بعد از اینکه معاهده ی صلح را امضاء نمود گفت: (من هیچگاه ذلت مسلمانان را نخواستم لیکن آنها را عزیز داشتم و هرگز مصلحت خود را اعراض از جنگ در نظر نداشته ام مگر آنکه تأخیر یاران و دوری آنها از جنگ سبب آن شد.) بصورتی که به معترض اول از کسانی که از جنگ پرهیز داشتند

[ صفحه ۴۳ ]

فرمود: به مالک بن حمزه بعد از اینکه سخنی درباره قرارداد با معاویه گفت: (من از خالی شدن زمین از مسلمانان واقعی وحشت داشتم لذا خواستم که برای دین مدعی وجود داشته باشد.) و همچنین به ابا سعید فرمود: (ای ابا سعید علت مصالحه من با معاویه به همان علت مصالحه پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی اشجع و اهل مکه در انصراف از حریبه بود.) [۳۵].

و پیرامون اهمیت قرارداد و نتایج ایجابی برای مصالح اسلام و مسلمین امام محمد باقر علیه السلام فرمود: (به خدای که امام حسن علیه السلام را آفرید که این امر بسیار خیر و برکت برای امت داشت که سبب بیرون آمدن خورشید گردید ...) [۳۶] زیرا که رهبر حکیم با آنکه از واقعیت آگاهی داشت موضعی بر اساس وقایع اتخاذ نمود زیرا بوسیله فکر و بصیرت خود

آنچه را که دیگران در زمان خود درک نمی کنند ...

و این بود آنچه بر امام حسن علیه السلام وارد گردید.

## دوران بعد از معاهده

بعد از امضای معاهده امام حسن علیه السلام مدت کوتاهی را در کوفه گذراند و درد قلبش را از آنچه گذشته بود می فشرد، لذا برای مسافرت به مدینه النبی آماده گشت و هنگامی که کاروان حرکت را آغاز نمود تمامی اهل کوفه خارج شدند در حالی که از بخت بد خویش فریاد می کردند و ناامیدی بر آنها مستولی شده بود و از آنچه گذشته بود متأسف بودند!! و اینکه چرا به اینجا رسیدند. در حالی که آنها لذت بودن با امام حسن علیه السلام و

[ صفحه ۴۴ ]

خاندان پیامبر علیهم السلام بعد از کوچ از شهرشان از دست می دادند که سبب حکومت طغیانگران و فتنه جویان شده است. و معاویه خلافت و رهبری عمومی را از کوفه به دمشق منتقل نمود و عده ای از لشکریان اموی وارد کوفه شدند و بسیاری نیز دستگیر شدند، و ترس و وحشت که همانند آن وجود نداشت در آنجا جمع گشته بود. هر کس خدعه نکند کشته می شود!! و هر کس که مقابله کند کشته می شود!!.

قافله امام علیه السلام در حالی که درد و رنج درونش را مملو نموده بود پایتخت را ترک می نمود، و تنها خاطرات بزرگان و شیعیانی که او را در تمامی دستورات و تصمیمات یاری نمودند باقی ماند. لذا محاصره ی آنها به هر وسیله ممکن تمام شد آنگاه حکومت طغیانگر اموی آنها را پراکنده نمود. اما وقتی که قافله امام علیه السلام به مدینه نزدیک می شد تمام اهالی مدینه به استقبال آمدند و

همگی خوشحال بودند زیرا که برکت و خیر در میان آنها آمده بود. و هنگامی که ابامحمد علیه السلام در خانه ساکن گشت مسؤولیت جدید رسالت وی بشکل جدید آغاز شد. اگر دیروز حاکم بود و اداره امور امت و نقشه هایی برای آینده ی آنها از منصب امامت سیاسی پی ریزی می نمود و کشتی را بسوی ساحل سعادت هدایت می نمود.

اما بعد از معاهده راه جدیدی را در پیش گرفت. بصورتی که مدرسه ای را درست نمود و رهبریت فکری بزرگ آن را بر عهده گرفت تا مرکزی برای اشاعه ی هدایت و اندیشه اسلامی برای هدایت امت بسوی صراط مستقیم خداوند و رسالت خاتمیت شود. لذا برای آن مدرسه نقش فعالی در روشن نمودن اندیشه عمومی و جلوگیری از پیمودن راههای انحرافی بخصوص راههای حکومتی که معاویه آنها را رهبری می نمود را ایفا نمود. مکتب امام حسن علیه السلام ثمره اش دو برابر شد، هنگامی که افراد بزرگی از علما

[ صفحه ۴۵ ]

و راویان حدیث همچون، حسن مثنی، مسیب بن نجبه، و سويد بن غفله، و شعبي، اصبع بن نباته، ابو يحيى نخعي، اسحاق بن يسار و ... پرورش یافتند.

امام حسن علیه السلام رسالت اسلامی را در جهت پیروزی با این عمل رهبری نمود و در آن زمان همچون شیری برای امت و رسالت ظاهر گشت، لذا مردم را به سوی استقامت در خلق و دین و سلوک و روش و راه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، و عمل به تمامی آنچه که منجر به معروف در جامعه و تعطیلی منکر می شد، دعوت می نمود و اما توجه اجتماعی زیادی به فقرا و مساکین و

نیازمندان می نمود بصورتی که از احوال مساکین جو یا می شد همانطور که در قسمتی از سیره ی امام علیه السلام آنرا نقل کردیم. و اما در نقش فرهنگی و فکری، طبیعی است که امام علیه السلام را در حال ترسیم آینده رسالت در زمینه اجتماعی و سیاسی بیاییم امام حسن علیه السلام بدلیل آگاهی از مسایل فرهنگی و اجتماعی روشی را ایجاد نمود که به صلاح امت و رسالت الهی بود بصورتی که سبب ایجاد موج اسلامی بیدار و فعالی برای رسالت وی شد. این امر سبب شد که امامت شرعی حق اهل بیت علیهم السلام و امام حسن علیه السلام باشد که معاویه آنرا غضب نموده و برای حکومت کردن نمی شود مصالحه نمود و اطاعت اموی با خط اصیل اسلامی همگانی نمی شود.

لذا توانایی امام حسن علیه السلام و متفکرینی که از مکتب وی خارج گردیده بودند به آن اندازه شد که بیداری سیاسی در مقابله با حکومت اموی با فکر و روش جدید باقی بماند. و عبرتی برای نسلهای آینده شود البته حکومت اموی از این نشاط فکری اسلامی غافل نبود و محاسبات و نتایج آن را درک می نمود. لذا به این دلیل سیاستهای انحرافی اجتماعی برای ادامه آن راه را به کار بردند و اضافه بر معاویه، عمروعاص، ولید بن عقبه بن ابی معیط!! و عتبه بن ابی سفیان!! و مغیره بن شعبه نیز

[ صفحه ۴۶ ]

بر آن سیاست تأکید می کردند.

کلام آنها به معاویه این بود که (بدرستی که حسن، پدرش را دوباره زنده نموده است گفت: که راست می گوید و این امری است که باید پذیرفت و برای او کفشی بزرگتر از پایش ایجاد

شده و بعید نیست که اجباری از گزند وی به ما رسد. [۳۷]) این سخن اگر چه کوتاه می باشد، اما خطرناکترین تقریری است که خاندان اموی آنرا مطرح می نمایند و رهبرشان معاویه را به سوی فرصتی که امام حسن علیه السلام ایجاد نموده سوق می دهند، و کلام کفشی بزرگتر از پای وی تعبیر دقیق از امام حسن علیه السلام است که عده زیادی از مردم در پشت وی جمع و برای آنها نقشه می کشید و برای آنها فرهنگ می سازد و آگاهی از حقیقت اسلام و قواعد و حکومت عدل آنها را روشن می سازد. لذا حرکت امام حسن علیه السلام ریشه دواند بصورتی که می خواست به دمشق رود و در پایتخت اموی با معاویه مناقشه نماید و زوایای حکومت که گذشتگان بر آن حرکت نمودند را برای وی روشن سازد و دوری وی از خط اصیل اسلامی را روشن سازد که این مناظره برای کسب تأیید و یاران بیشتر برای اهل بیت علیهم السلام بود.

لذا حرکت مهم تاریخی امام علیه السلام که بر اساس خط اسلام ناب در دنیای بشری قیام نمود حکومت اموی در درستی اعمال و روشهای سیاسی که مخالف فضای امام علی علیه السلام و رهبری سیاسی اسلامی بود راه صحیح را گم نمود که مهمترین آن سیاستها دشمنی با امام علیه السلام و یارانش بود که عبارتند از: اولاً: از بین بردن رهبری مؤمنان در کل نظام و کشتن عده ی زیادی چون حجر بن عدی و یارانش و رشید هجری و عمرو بن حمق خزاعی و ...

[ صفحه ۴۷ ]

ثانیا: ایجاد تنگناهای زیاد بر عموم شیعیان علی علیه السلام در آزار و

اذیت و فرار و قطع روزی و ایجاد وحشت و خراب نمودن خانه های بعضی از آنها.

ثالثا: استفاده از بعضی از وعاظ و دروغگویان بواسطه حکومت برای تشویش در سیره اهل بیت علیهم السلام و به خصوص امام علی علیه السلام. بر منابر همراه با تلفیق حدیث در اثبات معاویه و یارانش. و طرح عقاید باطل و نسبت دادن آنها به شیعه اهل بیت علیهم السلام.

رابعا: بخشش اموال بدون حساب به رهبران و بزرگان قبایل که از حرکت های آنها می ترسیدند همانند: مالک بن هبیره سکونی که به آنچه به حجر بن عدی و یارانش وارد شد سبب شد که نقشه ای برای اعلان جنگ مسلحانه علیه حکومت اموی نماید ولیکن معاویه همت وی را با هزار دینار ربود!! و برای وی فرستاد و درونش آرام گرفت و از آن عزم بیرون آمد [۳۸] و اینگونه عمل نمود همانطور که یکی از شاعران بیان نموده زبان باز با دینارها بسته می شود و ضمیر مترصد با کرسی تکان می خورد.

خامسا: و آخرین بندهای آن حرکت سیاسی از کشتن امام حسن علیه السلام با سم بود!! بصورتی که معاویه به واسطه همسر امام جعد بن اشعث برای وی فرستاد. شهادت وی در هفتم ماه صفر می باشد یا در ۲۵ ربیع الاول سال ۵۰ هجری همانطوری که در بعضی از روایات آمده است. وی همچنین وصیت نموده بود که در کنار جدش دفن شود که والی مدینه و بنی امیه از آن جلوگیری نمودند، لذا اهل بیت علیهم السلام تصمیم گرفتند که در بقیع دفن نمایند. وی در کنار مادرش زهرا علیها السلام آرام گرفت.

سلام و درود بر امام حسن مجتبی علیه السلام که در

زمان زندگی مظلوم و در مردن نیز مظلوم واقع شد.

الحمد لله رب العالمين

## پاورقی

[۱] حافظ محب الدین طبری / ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی / ص ۲۲.

[۲] ذخائر العقبی / ص ۳۰.

[۳] همان مدرک / ص ۱۲۰.

[۴] توفیق ابو علم / اهل بیت، امام حسن / ج ۱ / ص ۲۶۴. و سید محسن امین عاملی / مجالس السنیه / حسن بن علی / ج ۲.

[۵] سوره احزاب / آیه ۳۳.

[۶] این حدیث از مسلم در صحیح و ترمذی در صحیح و نسائی در خصائص و طبری در تفسیر نقل شده است.

[۷] سوره آل عمران / آیه ۶۱.

[۸] سوره شوری / آیه ۲۳.

[۹] همان مدرک / ص ۲۶.

[۱۰] این حدیث را فصول المهمه / ابن صباغ مالکی و اعلام الوری / برای طبری و اهل بیت از استاد توفیق ابو علم، المجالس السنیه / سید محسن امین عاملی و کتابهای بسیار دیگری ذکر نموده است.

[۱۱] کشف الغمه، ج / مناقب آل ابی طالب ج ۳ / مجالس السنیه / اهل بیت / توفیق، تذکره خواص و ...

[۱۲] تحف العقول عن آل رسول (ص) / قسمت روایات از امام حسن (ع) / ص ۱۶۶.

[۱۳] همان مدرک ص ۱۶۲۰.

[۱۴] مناقب آل ابی طالب / ابن شهر آشوب / باب امامت ابی محمد حسن (ع).

[۱۵] سوره بقره / آیه ۱۸۶.

[۱۶] تحف العقول عن ال الرسول / باب امام حسن / ص ۱۶۳.

[۱۷] برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید حیاة امام حسن / باقر شریف القرشی ج ۱ ص ۳۴۰.

[۱۸] حیاة امام حسن بن علی علیه السلام / باقر شریف القرشی / ج ۱ / ص ۳۸۷.

[۱۹] حیاة امام حسین بن



علی علیه السلام / باقر شریف القرشی / ج ۱ / ص ۳۸۷.

[۲۰] همان مدرک / ص ۴۳۲.

[۲۱] همان مدرک / ص ۴۳۲.

[۲۲] مراجعه کنید به: اعلام الوری / شیخ طبری، ص ۲۰۶ نصوص العدالة علی امامه الحسن (ع) نقل از کافی - حیا امام حسن - بن علی، قرشی ج ۱، ص ۵ / ۵ / کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲ ص ۱۵۵ و بحار الانوار ج ۴۲ ص ۲۵۰.

[۲۳] الفصول المهمه فی معرفه الائمه / ابن الصباغ مالکی / قسمت ذکر الحسن (ع) / ص ۱۳۵.

[۲۴] الفصول المهمه فی معرفه الائمه / ابن الصباغ مالکی / قسمت ذکر الحسن علیه السلام / ص ۱۳۵.

[۲۵] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید / ج ۱۶ ص ۳۷ و ۳۹.

[۲۶] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید / ج ۱۶ ص ۳۷ و ۳۹.

[۲۷] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. ج ۱۶ ص ۳۹.

[۲۸] همان مدرک.

[۲۹] هامش حیا الحسن القرشی / ج ۲، ص ۷۲. حوائج و خرائج / ص ۲۲۸، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶ ص ۴۰.

[۳۰] ارشاد / مفید، ص ۲۰۸ و فصول المهمه / ابن الصباغ مالکی / ص ۱۴۶.

[۳۱] صلح امام حسن (ع) / فضل الله ص ۷۶.

[۳۲] ارشاد / مفید در بیان حالات امام حسن (ع) ص ۲۰۹.

[۳۳] فصول المهمه / ابن صباغ و اهل بیت / ابو علم توفیق.

[۳۴] فصول المهمه / ابن صباغ و اهل بیت / ابو علم توفیق.

[۳۵] حیا حسن بن علی / ج ۲ / قرشی / ص ۲۸۱.

[۳۶] روضه الکافی / ج ۸ / ص ۳۲۰.

[۳۷] اهل بیت / توفیق ابو علم. ص ۳۴۳. از شرح ابن ابی الحدید.





بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

